

شماره جلسه: ۳۸	هوالحکیم استراتژی برای کودکان
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸	زامبی سازت را قورت بده
روی کرد: قدرت مدار	عنوان درس: دشمن شناسی ابزار کمک آموزشی: انیمیشن هیولاها علیه بیگانگان ۲

اهمیت شناخت دشمن و ترفندهای او

دشمن شناسی یک اصل مهم در زندگی هر کس محسوب می شود. گاهی دشمن مستقیم برخورد نمی کند، بلکه نفرین و طلسم می کند. برای این کار، او دشمن خود را زامبی می کند: یعنی یک عامل زامبی ساز می فرستد، و آن عامل، از راه تسخیر مغز و فکر دیگران، آن را زامبی می کند.

کسی که زامبی شد، سه حالت پیدا می کند:

۱. دشمن خودش را نمی شناسد و او را خطرناک نمی داند. در نتیجه دیگر با آن دشمن درگیر نمی شود. پس دشمن توانسته است او را از سر راه خود بردارد.

۲. کسی که زامبی شد، از آن پس، به دشمن خودش تبدیل می شود.

۳. کسی که زامبی شد، به دشمن دوستان خودش تبدیل می شود.

*** **

الف. دشمنی با بدکاران یک فضیلت و از سر حکمت است. باید از آن ها نگران بود. شیطان، دشمن آشکار است و نمی توان

با او از در آشتی درآمد و با او دوست شد.

ب. دشمن، تلاش می کند ما را از حالت دشمنی علیه خودش خارج کند. در این صورت، ما دیگر برای او تهدید نیستیم.

پ. دشمن به این کار اکتفا نمی کند، بلکه ما را به کار می گیرد.

ت. این برای او کافی نیست. او ما را علیه دوستانمان تحریک می کند و به کار می گیرد.

ث. راه نجات این است که: به خدمت دشمن در نیاییم.

ج. و این که، آن دسته از دوستانمان را، که اغوا شده اند، نجات دهیم.

*** **

چند شب قبل یک بشقاب پرنده به زمین آمده و در یک گل خانه، موجب جهش کدوهای تنبل شده بود. انفجار یکی از آن کدوهای تنبل جهش یافته در مزرعه، موجب شد که یک هویج «زامبی ساز» شکل بگیرد.

زامبی ساز، حیوان یا گیاهی است که به دیگران می چسبد و مغز آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. کسی که زامبی ساز به او چسبید، به یک زامبی تبدیل می شود. او دیگر از خود اراده ای ندارد. خود را نمی شناسد. دوستانش را نمی شناسد. موجب ضرر به خود و دوستانش می شود.

این هویج زامبی ساز، وارد جشن دوستان باب شد. سعی کرد همه را به زامبی تبدیل کند. همه مهمان ها از مجلس مهمانی فرار کردند. دکتر از راه رسید و سعی کرد هویج را نابود کند. به هویج شلیک کرد و آن را متلاشی و تکه تکه نمود. اما هر تکه ی هویج، خود به یک هویج کامل زامبی ساز تبدیل شد. همه ی محوطه را هویج های زامبی ساز اشغال کردند.



ژنرال منگار از راه رسید تا با اسلحه جنگی هویج های زامبی ساز را نابود کند. اما هویج های زامبی ساز به او چسبیدند و او را تبدیل به زامبی کردند. سوسمار هم مورد هجوم هویج قرار گرفت و به زامبی تبدیل شد.

دکتر و باب به درون اتاق رفتند و پنهان شدند. اما یک هویج به دکتر چسبید و او را زامبی نمود.

باب تنها مانده بود. دکتر قبل از این که زامبی شود از او خواست که دوستانش را نجات دهد.

باب تصمیم گرفت دوستانش را ترک کند و با کسان دیگری دوست شود. عروسک هایی را به عنوان دوستان جدید خود برداشت و رفت. در بالای سقف خانه نشست و مشغول تماشای صحنه شد. دوستانش یعنی دکتر، سوسمار و ژنرال، هر سه نفر تبدیل به زامبی شده و رفتار رقت باری داشتند: بیچاره ژنرال، بیچاره سوسمار، بیچاره دکتر.

دل باب برای دوستانش سوخت. به هویج ها حمله کرد. هویج ها نمی توانند باب را تبدیل به زامبی کنند، چون باب مغز ندارد.

باب همه ی هویج های زامبی ساز را قورت داد و با بلعیدن آخرین هویج، دوستان خود را از حالت زامبی خارج نمود.